

حیده صفائی - همه چیز از یک پیامک آغاز شد. پیامکی که یک پزشک افرشته زمینی خواند. متن پیام این چنین بود: «دکتر مدقق فوق تخصص عروق جزو فرشته های زمینی هستند. ایشان داخل مطبشون یک قاب نوشتند که دادن ویزیت اجباری نیست. تا وقتی هم که خود بیمار درباره ویزیت نبرسه، منشی در خواست ویزیت نمی کنه». همین موضوع سبب شد تا به مناسبت روز پزشک سری به ایشان بزنیم و گفتگویی با او داشته باشیم. پیداکردنش خیلی سخت نبود. نامش را که در اینترنت جستجو کردیم، آدرس مطب، تلفن، تماس و حتی شماره موبایلش هم نوشته شده بود. سر حرف را که باز کردیم، مصاحبه را پذیرفت

و قرار شد تادر بیمارستان علوی به دیدارش برویم. دکتر «محمد هادی سعید مدقق» که مردم او را با نام «دکتر مدقق» می شناسند، فوق تخصص جراحی عروق و رئیس بخش فوق تخصصی جراحی عروق است. وی تا سال ۱۳۷۹ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران بود اما خیلی زود تهران را به مقصد مشهد ترک کرد تا بتواند با کمک دیگر همکارانش اولین بیمارستان فوق تخصصی عروق را در زادگاهش و در خیابانی که با نام امام رضا (ع) تابلو خورده، بنا کنند.

دکتر محمد هادی سعید مدقق که ۳۰ سال طبابت را با توجه به بیماران بی بضاعت سپری کرده است

حمایت و طبابت



دست تقدیر مسیر
دیگری برایش رقم
زد. فکر هر رشته ای
رامی کرد به جز
پزشکی. سال ۱۳۵۹
زمانی که دیپلم
می گیرد هم زمان با
انقلاب فرهنگی است
او هم مانند دیگر
هم دوره ای هایش
ز رفتن به دانشگاه
باز می ماند. تا اینکه
پس از سه سال اولین
کنکوری که برگزار
می شود، کنکور
پزشکی است، او هم
فرصت را از دست
نمی دهد و در اولین
کنکور شرکت می کند

می خواستم مهندس شوم اما پزشک شدم

گفتگوی او خیلی سخت نیست، آن قدر مهربان و آرام است که صحبت کردن با او راحت است. همان طور که پرسنل بیمارستان توصیفش کرده بودند: «مهربان و جدی». با او هم کلام شدید و از او خواستیم از خودش برایمان بگوید. او در این باره تعریف می کند: «کودکی پرتحرکی داشتم و در مسائل فنی کنجکاو بودم. از همان ابتدای خواستم در حوزه فنی کار و درسم را ادامه بدهم، برای همین ریاضی را انتخاب کردم تا در آینده در رشته فیزیک ادامه تحصیل بدهم، می دانستم در آن زمینه موفق خواهم شد اما دست تقدیر مسیر دیگری برایم رقم زده بود. فکر هر رشته ای رامی کردم به جز پزشکی. سال ۱۳۵۹ زمانی که دیپلم می گیرم هم زمان با انقلاب فرهنگی است او هم مانند دیگر هم دوره ای هایش از رفتن به دانشگاه باز می ماند. تا اینکه پس از سه سال اولین کنکوری که برگزار می شود، کنکور پزشکی است، او هم فرصت را از دست نمی دهد و در اولین کنکور شرکت می کند، از قضا همان سال هم پزشکی شیراز قبول می شود.

بزرگ شده در خانواده ای روحانی

دکتر مدقق در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده، پدر بزرگش «حاج شیخ علی اکبر مدقق»، از علمای سرشناس در سطح ایران و عراق بود که بیشتر بزرگان دین و علما او را می شناختند. «حاج شیخ علی اکبر مدقق» از جمله فضلا و منبری هایی بود که در واقعه مسجد گوهرشاد سخنرانی کرد و فردای کشتار مردم دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان به نجف اشرف رفت و تا سال ۱۳۲۰ در آنجا ماند. سپس به مشهد بازگشت و به وعظ و ارشاد مردم پرداخت. او بیانی شیوا و جذاب داشت و مردم به منبرهای او علاقه زیادی داشتند. دکتر مدقق خاطره چندان از پدر بزرگش ندارد و می گوید: «پدر بزرگم مهربان و وارسته بود، تعلقی به مادیات نداشت. به علوم حوزوی مسلط بود کتاب هایی تدریس می کرد که برای دیگران مشکل بود.»

پدرش نیز از علمای برجسته مشهد بود و دروس خارج فقه را در محضر علمایی از جمله آیت... فاضل لنکرانی و آیت... میلانی خوانده بود. به خاطر پدرش سال های ۵۰ به تهران مهاجرت می کنند. زمانی که امام به ایران آمدند، پدرش خدمت امام خمینی (ره) که می رسند، امام راحل از پدر بزرگش یاد می کند. او و برادرش هم به پیرو رسم دیرینه خانوادگی اصول فقه و اصول استنباط رامی خوانند.

خاطرات تلخ و شیرین

دوران دانشجویی دکتر مصادف است با دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی که خاطرات تلخ

و شیرینی را به یادگار گذاشته است. این پزشک خبیر در این باره می گوید: «یکی از بهترین دوران زندگی هر فردی همان دوران دانشجویی است، آزادی عمل، محیط سالم، شیطنت هایی به اقتضای همان سن و سال، همه در کنار هم سال های خوبی را به یادگار می گذارند. متأسفانه دوران تحصیل ما با زمان جنگ همراه بود که خاطرات ناخوشایندی را برای ما باقی گذاشت. یکی از دوستان صمیمی من در جبهه شهید شد، او کسی بود که اگر می ماند منشأ خدمات زیادی می شد.» او ادامه می دهد: «در جبهه دریکی از بیمارستان های صحرایی بودیم که ناگهان مورد حمله قرار گرفت، چادری که بیمارستان با آن برپا شده بود، مانند دستمالی کهنه به هم پیچید. ترکش هایش به مجروحان زیادی اصابت کرد. برای کمک رسانی مجبور بودیم اولویت بندی کرده و ابتدا به آن هایی که وضعیت حادثری داشتند، رسیدگی کنیم. یادم هست یک نفر که تمام صورتش را ترکش برده بود و فقط دو چشمش باقی مانده بود، کمک می خواست. در آن شلوغی ها گشتم و مقدار زیادی پنبه به دستش دادم و گفتم این را روی صورتت فشار بده تا به دیگر مجروحان برسیم. می خواهم بگویم او با آن وضعیت نسبت به بسیاری از مجروحان دیگر بهتر بود.»

می خواهم خدمت کنم

دکتر مدقق ۷ سال پزشکی می خواند و ۵ سال جراحی، او جراحی را انتخاب می کند با این تصور که بتواند مؤثرترین خدمات را به بیمارانی اورژانسی ارائه دهد. بعد از گرفتن تخصص به دنبال ادامه تحصیل است، او که در این ۱۲ سال هر چه خوانده راجع به تمام بدن، سیستم های بدن و بیماری های مربوط به آن بوده است، چگونه می تواند برای ادامه تحصیل خودش را محدود به یک عضو کند! برای همین تصمیم می گیرد جراحی عروق را انتخاب کند تا بیشترین به مردمش خدمت کند. وقتی رگ های بدن بین دو میلی متر تا سه سانتی متر متغیر باشند، به طور مسلم جراحی عروق هم یکی از رشته های سخت پزشکی است.

نسبت به پزشکان کلی گویی نکنید

دکتر مدقق با این همه سال خدمت گلایه مند از برخی بی مهری هاست، او می گوید: «از کلی گویی راجع به پزشکان ناراحت هستم. اگر پزشکان را که تخلف می کنند، معرفی شوند و پس از آن برخورد لازم را انجام دهند، دیگر کلی گویی درباره پزشکان نمی شود. ناخرسندم از اینکه خودم هم شاید دقیق ندانم در جامعه پزشکی چطور کار می کنند، باید بگویم بیش از ۹۰ درصد پزشکانی که من می شناسم، نگاه مادی به بیمار ندارند و دلسوز و مریض هستند. به نظر من وظیفه ما در پزشکی خدمت رسانی